

خورشید

(دو قسط دوم):

حسین، وارث آدم تا حاتم

دکتر محمد علی آبادی

باپیش گفتاری از خورشید چهری ماندگار در آسمان علم و ادب ایران:

استاد فرزاد و کران قدر: جناب دکتر جلیل تجلیس

سرشناسه	: علی آبادی، محمد، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور	: ولایت خورشید : (دفتر دوم: حسین، وارث آدم) / محمد علی آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: نور مهراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۵۳-۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیفا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: ولایت خورشید : (دفتر دوم: حسین، وارث آدم تا خاتم)
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ و ۹۳/۸۱۵۱/۸۱۵۱ pir
رده بندی دیویی	: ۸۱۵/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۵۸۷۵۰

ولایت خورشید : (دفتر دوم: حسین، وارث آدم)

دکتر محمد علی آبادی

انتشارات نور مهراز

انتشارات نور مهراز

مهندس علیرضا علی آبادی

نقش و نشان

اول

۱۳۹۳

۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۵۳-۲-۲

۲۰۰۰ نسخه

۲۵۰۰۰ تومان

* کتاب:

* مؤلف:

* ناشر:

* حروف‌نگاری، ویراستاری و صفحه‌آرایی:

* عکس و گرافیک جلد:

* چاپ‌خانه:

* نوبت چاپ:

* سال نشر:

* شابک

* تیراژ:

* قیمت:

☐ همه حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است ☐

آدرس: تهران، سهروردی جنوبی، نبش امین‌زاده، پلاک ۳

تلفن: ۲۲۹۵۰۷۸۱ (پست الکترونیک: mohammad.aliabadi@gmail.com)



فهرست اجمالی

- پیش‌گفتاری از: استاد فرزانه و گران‌قدر: دکتر جلیل تجلیل ۳
- فصل اول: بهاریه، در تهنیت میلاد نور ۱۶
- فصل دوم: مُصیبت‌خوانی‌های عارفانه و رُوحانی ۷۸
- فصل سوم: سُرودها و نوحه‌ها ۱۶۷
- فصل چهارم: از عصر عاشورا، تا شام غریبان، و تا اربعین سالار شهیدان ۲۵۱
- فصل پنجم: قتل‌نامه‌ای منظوم از زبان سکینه‌خاتون علیهاسلام ۳۰۸
- سُخن پایانی در: شرح مُختصری از زندگی شاعر؟ ۳۷۰

مُقدِّمه‌ای بر مُقدِّمه

در باب مُعرّفی اثر علمی و یا ادبی نویسنده‌ای که برای عموم خوانندگان ناآشناست همواره رسم بر این بوده که از طریق نگارش مُقدِّمه توسط یکی از خبرگان کار و نویسندگان عالی‌مقدار که شهره روزگاراند و باعث افتخار، ضمن مُعرّفی کم و کیف اُفق فکری نویسنده‌اش، با کمی مُبالغه در برشماری زیبایی‌ها، خوبی‌ها و ویژگی‌های اثر مربوطه، هندسهٔ نقش و طرح آب و رنگ صورت مُقدِّمه را به گونه‌ای رقم می‌زدند که هم به‌نوعی قدردانی از زحمات و تلاش‌های او باشد، و هم باعث رونق بازار و اقبال نظر فرهنگ‌دوستان به اثر و خواندن آن گردد.

این جانب نیز اینجا و آنجا، در جمع عزیزان صاحب نظر، به دنبال یافتن و آشنائی با عزیزی بودم که به حق از اهل دل بوده و بتوانم زحمت این مُهم را بر عهده او بگذارم، و این پس از افتخاری که از هم سفری با استاد گران قدر و عزیز خود جناب دکتر جلیل تجلیل (از نُخبگان مُعاصر آسمان فرهنگ و ادب ایران زمین، از چهره‌های ماندگار کشور، و از اساتید پیش کسوت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران) در سفر به سرزمین وحی و خانه خدا داشتم، نصیب شد. روزی از روزها، پس از آشنائی نسبتاً خوبی که در طول سفر حج با افکار بلند و دید عمیق و دقیق ایشان نسبت به دین و معارف دینی پیدا کردم، به ملاقات ایشان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفته، و پس از سلام و احوال‌پرسی و یادآوری خاطرات تلخ و شیرین آن سفر با دوستان و ... دیوان سروده‌های خود را (که به غلط و خودخواهانه و شاید از سر ناهمی، نام آن‌ها را شعر گذاشته‌ام و امیدوارم که این گستاخی را بر این کم‌ترین ببخشایند) بر ایشان عرضه داشته و درخواست نمودم تا پس از مطالعه، نظر تخصصی (و البته اصلاحی) خود را نسبت به اشعار آمده در آن بیان فرموده، ارائه طریق فرمایند. ایشان نیز، بنا بر حوصلت کریمان بزرگ‌منش و بر سیره آموزگاری و هادیانه خویش، بزرگوارانه قبول زحمت فرمودند. و در چند صفحه کلمات و بیاناتی را در پاسخ بنده انشاد فرمودند (که همگی عرق شرم و خجالت بر پیشانی این حقیر نشانند). و فرمودند که دوست دارند سُخنان خود را در صفحات پس‌اشاره این مجموعه به نظر مخاطبان گران قدر برسانند.

پس اطاعت امر کرده و شما را با سُخنان سراسر مهر و بزرگ‌منشی استاد قتها می‌گذارم:

مُحمّد علی آبادی (۲۳ بهمن ۱۳۹۳)